

## شبهه عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه و گفتگو از خصوص جستجوی قضات

آن چه ممکن است در ارتباط با پرسش سوم رخ بنماید شبهه عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه است که چه بسا اصل حاکم در مجال مورد گفتگو قرار گیرد، بلکه در خصوص جستجوی قضات عدم جواز مورد تاکید واقع شود.

برخی از معاصران در پیوند با جستجوی قضات از جرائم و در مواضع تهمت و شبهه در گفتاری مقارن چنین نگاشته اند (با تلخیص):

«ان هذه المسألة فرع على مسألة الفحص في الشبهات الموضوعية، فإذا لم يجب الفحص في الشبهات الموضوعية لم يجب على القضاة الاستقصاء. بيان ذلك ان التكليف انما جعلت على نحو القضايا الحقيقية فلا يثبت تكليف على شخص الا بعد تحقق موضوعه خارجا واحراز وجوده. و تمسك الشيخ [الانصاري] لعدم وجوب الفحص في الشبهات الموضوعية باطلاق الادلة ... ثم الكلام في انه هل يجري الاصل في موارد الشبهة قبل الفحص ام لا؟ فالتمسك باطلاق - مع فرض الشك في صدق الشبهة قبله - تمسك بالعام في شبهة مصداقية، فمن شك في الاستطاعة و طلوع الفجر من رمضان لا يجوز له إجراء البرائة من وجوب الحج و أن يديم في الأكل و الشرب استنادا الى استصحاب بقاء الليل و العجب أنهم ذكروا لوجوب الفحص في الشبهات الحكمية أن العقل لا يعذر الجاهل القادر على الاستعلام و ليس الا لعدم كونه داخلا في موضوع الاصول العدمية الجارية عند العقلاء في حين جريان مثل هذا الاستدلال في الشبهات الموضوعية حرفا بحرف و عمدة استنادهم في عدم وجوب الفحص في الشبهات الموضوعية روايات واردة بشأن الطهارة و النجاسة ... لكن امر الطهارة و النجاسة مما استهان به الشارع المقدس ولم يهتم به كاهتمامه بسائر الامور فلا يقاس على ذلك شيء من سائر الموضوعات الشرعية و الدليل على ذلك ورود الامر في سائر الابواب بالاهتمام البالغ و الفحص عند الشك؛ كما في أمر المرأة يريد التزوج بها و يشك أنها اخته من الرضاة؟ فقال عليه السلام: «فليختبر و ليسأل». و الفقهاء متفقون على وجوب الفحص في مسألة الاستطاعة و نصاب الزكاة و أرباح التجارة و هلال رمضان و شوال و الفجر و الغروب في الصيام و بلوغ المسافة و في السفر و ما شاكل ذلك. فذلكة الكلام أن التجسس و الفحص عن الجرائم و الجنایات الشخصية إن كان من قبل الافراد بأنفسهم من غير أن يكون عن جهة مسئولية عامة فهو حرام و إن كان عن قبل الجهات المسئولة ففي مثل احتمال الدسائس ضد الحكم القائم و المؤامرات الفاسدة و في مثل السرقة و قتل النفس و إبقاع الجرح من حقوق الناس يجب و في مثل حقوق الله مما يرتبط بالشؤون الشخصية فقط مثل شرب الخمر سرا أو الزنا فليس بواجب»<sup>1</sup>.

## بررسی و نقد

متن فخیم فوق، علیرغم مطالب قابل قبولی که در انجام آن آمده است، خالی از برخی ملاحظات نیست، از جمله:

1. «فذلکة الکلام» آن، برآیند قهری بیانات قبل نیست؛ بلکه گزاره های مذکور در آن باید به آساند دال بر آنها، مستند گردد.

ملاحظات وارد از این قبیل است.

2. ایشان فرمود: امر طهارت و نجاست، از اموری است که «استهان به الشارع الاقدس» قهرا نمی تواند مقیس علیه واقع شود! با این که ادله ترخیص اختصاص به باب طهارت و نجاست ندارد. توجه کنید:

«کل شیء هو لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه، من قبل نفسک و ذلک مثل الثوب یكون قد اشتریته و هو سرقة او المملوک عندک و لعله حرّ قد باع نفسه او خدع فبیع او قهر او امرأة تحتک و هی اختک او رضیعتک والاشیاء کلها علی هذا حتی یستبین لک غیر ذلک او تقوم به البینة»<sup>2</sup>

ظاهر فرمایش امام هم که می فرمایند: «حتی یستبین لک غیر ذلک» استبانه خود به خود برای شخص است نه با فحص و استکشاف. فتامل.

3. ایشان فرمود: «والفقهاء متفقون علی وجوب الفحص فی المسألة ...» با این که - حداقل - جمع کثیری از فقها با شک در طلوع فجر اجازه انجام مفطر می دهند. توجه کنید:

«يجوز له فعل المفطر و لو قبل الفحص ما لم یعلم طلوع الفجر و لم یشهد به البینة و لا یجوز له ذلک اذا شک فی الغروب عملا بالاستصحاب فی الطرفين».

این بیان از صاحب عروه است که مورد استقبال دیگران واقع شده است.<sup>3</sup>

دقیقا به همین دلیل است که منسوب به مشهور فقیهان، قول به عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه در غیر باب دماء و فروج است؛ هر چند مخالفت هایی هم دیده شده است.

مثلا گفته شده: اصل بر لزوم فحص است مگر دلیلی بر خلاف آن دلالت کند.<sup>4</sup>

البته برخی از کسانی که اصل برائت را در شبهات موضوعیه (به نحو مطلق یا درخصوص شبهه تحریمیه) مورد نقاش دارند، قهرا جریان اصل را بدون فحص هم نمی پذیرند، لکن این استدراک به گفتگوی حاضر ما که مفروض در آن، پذیرش اصل برائت است، ارتباط ندارد. برخی نیز بر صدق «شبهه» قبل از فحص - مطلقا یا در برخی از فروض - مناقشه دارند.<sup>5</sup>

2. الکافی، ج5، کتاب المعیشة، ص313 و314.

3. العروة الوثقی، ج2، کتاب الصوم، فی ما یتعلق بالقضاء، مساله 2، ص212.

4. ر.ک: السید محمد الشیرازی، الفقه، ج90، ص45.

5. نک: جزوه خراج مکاسب محرمة، ص514.